

معیار اسلامی بودن فرق چیست؟

<?xml encoding="UTF-8">

معیار اسلامی بودن یک فرقه یا مذهب کلامی این است که اسلام را قبول داشته باشد، و به عبارت دیگر مسلمان باشد. حال سؤال این است که اسلام چیست؟ و مسلمان کیست؟

اسلام در لغت مشتق از «سلم» و به معنی داخل شدن در سلامتی و آرامش و انقیاد است. (1) و معنی اصطلاحی و شرعی آن عبارت است از تدین به دین اسلام. (2) حال اگر کسی به وجود خداوند و یگانگی او و نبوت پیامبر اکرم و آنچه او از جانب خداوند آورده است اقرار نماید، مسلمان خواهد بود و این نخستین مرتبه از اسلام و ایمان است که آثار شرعی اسلام که در کتب فقه بیان شده، بر آن مترتب می گردد، یعنی جان و مال او حرمت پیدا می کند، ارث می برد، در قبرستان مسلمین دفن می شود و ...

اینک عبارتهایی را از عده ای از بزرگان علمای شیعه و اهل سنت یادآور می شویم :

1- صاحب عروة الوثقی گفته است :

«یکفی فی الحکم باسلام الکافر اظهاره الشهادتین و ان لم یعلم موافقة قلبه للسانه، لا مع العلم بالمخالفة» . (3)

در حکم به اسلام کسی که کافر بوده همین مقدار که شهادتین را اظهار کند، کافی است، هر چند موافقت قلب او با زبانش معلوم نباشد، ولی اگر علم به عدم موافقت قلب او با زبانش داشته باشیم، اظهار شهادتین، در حکم به اسلام او کافی نیست.

در مورد قید اخیر (علم به مخالفت) را از سوی مجتهدین و فقهای معاصر آرای مختلفی ابراز شده است : امام خمینی آن را مطابق احتیاط دانسته، ولی آیات عظام : خویی، گلپایگانی و خوانساری، اظهار شهادتین را، هر گاه طبق موازین بوده و با شک و تردید یا قرینه ای که بر عدم اعتقاد قلبی او دلالت می کند همراه نباشد، کافی دانسته اند.

2- علامه مجلسی در تعریف اسلام چنین گفته است :

«الاسلام هو الاذعان الظاهر بالله و برسوله و عدم انکار ما علم ضرورة من دين الاسلام، فلا يشترط فيه ولاية الائمة عليهم السلام و لا الاقرار القلبی، فيدخل فيه المنافقون و جميع المسلمين ممن يظهر الشهادتین، عدا النواصب و الغلاة ...» . (4)

اسلام عبارت است از اذعان ظاهری به وجود خدا و رسالت پیامبر اکرم و انکار کردن آنچه از ضروریات دین اسلام است، بنابر این ولایت ائمه طاهرین در حکم به مسلمانی افراد شرط نیست، چنانکه اقرار قلبی نیز شرط نیست. در این صورت منافقین و همه فرقه های مسلمین که شهادتین را اظهار کرده اند، جز نواصب و غلات، داخل در اسلام خواهند بود.

3- ملا علی قاری در شرح فقه اکبر از ابو حنیفه نقل کرده که گفته است :

«لا نکفر احدا من اهل القبلة» .

آنگاه افزوده است : این عقیده اکثر فقهاست. (5)

4- فخر الدین رازی گفته است :

«الكفر عبارة عن انكار ما علم بالضرورة مجىء الرسول به، فعلى هذا لا يكفر احد من اهل القبلة». .
كفر عبارت است از انكار آنچه بالضرورة معلوم است که پیامبر اکرم از جانب خداوند آورده است. بنابر این هیچ
یک از اهل قبله تکفیر نمی شود. (6)

5- مؤلف «المواقف فی علم الکلام» گفته است :

«اکثریت متکلمین و فقهاء بر این عقیده اند که هیچ یک از اهل قبله تکفیر نمی شود». (7)
در این جا یادآوری این نکته لازم است که گاهی در احادیثی که از ائمه طاهرین علیهم السلام در باب عقاید روایت
شده، برخی از عقاید نادرست از پاره ای فرق به عنوان عقیده ای کفر آمیز یا شرک آلود به شمار آمده است، مانند
اعتقاد به زیادت صفات خداوند بر ذات او و نظایر آن. کفر و شرک در این گونه روایات ناظر به مراتب دقیق و
عمیق اسلام و ایمان است، نه مرتبه ظاهری آن، چنانکه از ریا به عنوان شرک یاد شده است، و مقصود شرک
خفی است. بدین جهت امام علی علیه السلام نفی صفات زاید بر ذات را کمال اخلاص در توحید دانسته، می
فرماید :

«و کمال توحیده الاخلاص له، و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه». (8)

پی نوشت ها :

1- مجمع البیان، ج 1، ص 420، مفردات راغب، کلمه «سلم» .

2- اسلم فلان، ای تدین بالاسلام. اقرب الموارد، ج 1، کلمه «سلم» .

3- عروة الوثقی، مبحث نجاسات.

4- بحار الانوار، ج 68، ص 244.

5- شرح فقه اکبر، ص 189.

6- تلخیص المحصل، ص 405.

7- شرح المواقف، ج 8، ص 339.

8- نهج البلاغة، خطبه اول.